

# پرسش

۴ نوامبر ۲۰۰۹



## پَرهیب استقلال!

می پرسید «زبان منطقی» چیست؟ زبانی است که در ارتباط با واقعیت «زمان» و «مکان» قرار دارد، صریح و فاقد ابهام است. زبان منطقی، زبان انسان در «اکنونیات» زمان و در مکان مشخص است. زبانی است که بیانگر خواسته‌های منطقی انسان در اجتماع است. اگر بخواهیم تعریف دیگری از زبان منطقی ارائه دهیم می‌توانیم بگوئیم زبانی است که از هر نظر در تضاد با «گسست» و «جامعه آرمانی» قرار می‌گیرد. زبان منطقی، «زبان اجتماعی» انسان است، زبانی است که بین انسان‌ها ارتباط منطقی و واقعی برقرار می‌کند. از این نظر زبان منطقی، شعار پوچ را بر نمی‌تابد و پوچ‌ترین شعار این روزها همان شعار فریبنده‌ای است که از زبان جیره‌خواران غرب می‌شنویم: «ما خواهان جهانی عاری از سلاح‌های اتمی هستیم!» یک مرحله منطقی این شعار جادویی را به پیش رانیم، تا روشن شود چرا وزیر امور خارجه انگلستان، در سفر خود به مسکو همین «درخواست» را داشت و پاسخ منفی گرفت.

«تحریم اقتصادی» را به همراه دارد و این «معجون جادویی» معمولاً به جنگ و کودتا می‌انجامد. بدون قرارداد ملت‌ها در «انزوای سیاسی» نمی‌توان تحریم اقتصادی را بر آنها تحمیل کرد، و بدون ایندو عامل زمینه‌سازی برای جنگ، چه داخلی و چه خارجی مشکل خواهد بود.

از بدو کودتای ننگین ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تاکنون، سیاست استعمار چندین «گسست» مسلسل‌وار بر ملت ایران تحمیل کرده که همگی ریشه در اشغال سفارت آمریکا و گروگانگیری داشته. چرا که این قانون‌شکنی آشکار دو شرط لازم و کافی جنگ‌افروزی را تأمین کرد: انزوای سیاسی و تحریم اقتصادی. در پناه این شرایط بود که تحمیل یک قانون اساسی بر مبنای حدیث و روایت و قصص امکانپذیر شد، و یک جنگ استعماری نیز با عراق به راه افتاد. برکناری بنی‌صدر، تصفیه‌های درون گروهی، سرکوب‌های دوران سازندگی، اصلاحات و بحران دست‌ساز هسته‌ای پیامدهای شوم اشغال خائنانه سفارت آمریکاست.

امروز معلوم شد فقیه عالیقدر، آیت‌الله «لیبرال - دمکرات» برگزیده «بی‌بی‌سی»، یعنی همان شیخ حسینعلی منتظری خودمان با اشغال سفارت آمریکا در آبان‌ماه ۱۳۵۸ مخالف بوده‌اند! گویا از شدت حجب و حیا و فرصت‌طلبی، سی سال برای ابراز مخالفت‌شان خون جگر خوردند تا اینکه رادیوفردا و شرکاء از مخالفت ایشان پرده برداری کردند! چرا؟ چون

این شعار مخاطب را در «گسست» با واقعیت زمان و مکان قرار می‌دهد و به همین دلیل پیرامون یک فریب اجماع به وجود می‌آورد. کسی که طوطی‌وار خواهان خلع «سلاح هسته‌ای» می‌شود نمی‌داند پنتاگون به «سلاح لیزری» دست یافته. سلاحی که به مراتب مخرب‌تر از سلاح هسته‌ای است. این سلاح با موفقیت کامل روی اهداف متحرک در آمریکا و روی اهداف ثابت در روسیه و هند امتحان شده: اخیراً یک نیروگاه آبی و یک مخزن سوخت در روسیه، و یک مخزن سوخت در هند هدف توپ لیزری قرار گرفته. با چنین اسلحه‌ای پنتاگون و شرکای‌اش در سازمان ناتو نیازی به سلاح هسته‌ای ندارند! در نتیجه همه خواهان «جهانی‌سازی» از سلاح‌های هسته‌ای شده‌اند! ولی نابودی این سلاح‌ها متضمن استقرار صلح جهانی نخواهد بود، به هیچ عنوان! مگر اشغالگران در عراق و افغانستان از سلاح هسته‌ای استفاده می‌کنند؟ ولی این شعار فریبنده را بر سرزبان‌ها می‌اندازند تا افکار عمومی را در شرایط کاذب یک «جهان آرمانی» یا بهتر بگوئیم در «گسست با واقعیت» قرار دهند. این شعار «کودتا» بر ضد عقل سلیم است، چرا که این دروغ بزرگ را به مخاطب القاء می‌کند که با نابودی سلاح‌های هسته‌ای، جنگ نیز از صحنه جهان محو می‌شود، و همه در صلح و آرامش به سر خواهند برد. حال آنکه چنین نیست! «واقعیت» به ما می‌گوید که این شعار پوچ با هدف گسترش سلطه آمریکا بر کشورهای دیگر، از طریق سلاحی به مراتب مخرب‌تر از سلاح هسته‌ای بر سر زبان‌ها افتاده.

سی سال پیش در چنین روزی، به منظور تبدیل کشورمان به پشت جبهه طالبان، توطئه آمریکا برای اشغال سفارت‌اش در ایران به مورد اجرا گذاشته شد و شرایط مناسب برای ایجاد گسست، یعنی تحمیل «انزوای سیاسی» و «تحریم اقتصادی» با هدف مقدس «جنگ افروزی» فراهم آمد. «انزوای سیاسی»،



بازهم دستاربندان به منظور تخریب جنبش مدنی، به قصد نفوذ در صفوف مخالفان به «سرقت» ادبیات سیاسی آنان پرداخته سعی دارند خود را «متمدن» و «متعهد» به رعایت قوانین بین‌المللی بنمایانند. البته اینبار حضرت آیت‌الله و اربابان‌شان واقعاً کور خوانده‌اند! ما اشتباه مبارزان صدرمشروطه را تکرار نخواهیم کرد، جای آخوند جماعت به ویژه جایگاه حسینعلی منتظری در کنار چماقداران «مستقل» حکومت است، از میرحسین تا مهرورزی! اصل اساسی «جدائی دین از سیاست» ایجاب می‌کند که آیات عظام سیاست‌پرست با سردادن عربده «نه شرقی، نه غربی» در جایگاه واقعی خود، یعنی در صف «فاشیست - مسلمان‌های» قانون‌شکن، کودتاچی و مدافع «احکام شریعت» قرار گیرند.

در این وبلاگ بارها به «ایجاد گسست»، به عنوان یک مشی استعماری اشاره شده اما هرگز فرصتی برای ارائه یک تعریف مناسب از «گسست» پیش نیامده. امروز که ۳۰امین سالگرد یکی از مهم‌ترین گسست‌های استعماری در ایران است، فرصت را برای مشخص کردن ویژگی‌های «گسست» غنیمت شمیریم! «گسست» و هدف از ایجاد آن چیست؟ به طور کلی، هدف از ایجاد گسست قراردادن جامعه در «شرایط کاذب» یا «آرمانی» و «یوتوپیک» است. روشن‌تر بگوئیم، «شرایط کاذب» می‌تواند جامعه را خارج از واقعیت‌های «زمان» و «مکان» قرار دهد و از این نظر، «گسست» در تضاد کامل با «تداوم تاریخی» نیز قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، با ایجاد هر «گسست» نظم و تداوم تاریخی جامعه درهم می‌شکند.

تداوم تاریخی جامعه ایران چیست؟ مجموعه تحولات جامعه ایران، به عنوان یک مجموعه انسانی در «زمان» و «مکان

مشخص» را «تداوم تاریخی» ایران می‌خوانند. به عبارت دیگر، تحولات جامعه ایران در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ... از مبداء تاریخ کشور ایران، یعنی از پایه‌گذاری امپراطوری هخامنشی تا به امروز، تداوم تاریخی ایران به شمار می‌رود. در نتیجه، قراردادن تاریخ «فرضی» هجرت پیامبر مسلمانان به عنوان مبداء تاریخ ایران، تحمیل «گسست» بر ملت ایران به شمار می‌رود. چرا که این عمل مبداء تاریخی و ایرانی جامعه را حذف کرده، بجای آن یک مبداء «بیگانه»، «اسطوره‌ای» و «مقدس» قرار می‌دهد. مبدائی که خود بین دو تقویم «شمسی» و «قمری» نیز در نوسان است. اما «گسست» از ابعاد دیگری نیز برخوردار است که با هدف «تحمیل جنگ»، ابتدا «انزوای سیاسی» و سپس «تحریم اقتصادی» را بر جامعه حاکم می‌کند، همچنانکه طی سه دهه اخیر در ایران شاهد اعمال چنین سیاستی بودیم. پیشتر نیز از دوره قاجار، چنین سیاستی به صورت «رقیق» از طریق «فتوی»، «ترور» و «آشوب»، یا بهتر بگوئیم غائله تنباکو، ترور رزم آراء، ملی شدن نفت و حضور کنسرسیوم در کنار انگلستان بر ملت ایران حاکم شده بود.

پیشتر گفتیم که محمد مصدق، برای حفظ منافع ملی بریتانیا یکبار زمینه‌ساز اشغال نظامی آذربایجان، و بار دیگر در کنار فدائیان اسلام جاده صاف کن کودتا جهت حضور کنسرسیوم در ایران شد. و به دلیل همین خیانت‌ها نیز «قهرمان ملی» لقب گرفت. جهت اجتناب از تکرار مکررات



بهانه مبارزه فرضی با طالبان اشغال شده در حالیکه گروه طالبان به رهبری حمید کرزای دست در دست اشغالگران ناتو، افغانستان را به نخستین مرکز تولید مواد مخدر جهان تبدیل کرده، و فریاد و فغان رسانه‌های غرب از فساد دولت و تولید مواد مخدر در این کشور به آسمان برخاسته. تو گوئی سیاست سازمان ناتو با طالبان پروری، فساد مالی و تولید مواد مخدر در تضاد قرار می‌گیرد!

امروز در جمکران همچنانکه می‌دانیم جشن‌های پرشکوه به مناسبت ۳۰مین سالگرد کودتای ۱۳ آبان ۱۳۵۸ در قالب لات‌بازی‌های ویژه نوکران «مستقل» آنگلساکسون‌ها، و با حضور فرضی «توده‌های میلیونی» برگزار شد. و خلاصه بازار «مرگ بر این، و مرگ بر آن» حسابی گرم و داغ بود. با سفر ولادیمیر پوتین به ایران، آبمنگل‌ها زمینه قرارداد خود در انزوای سیاسی را از دست دادند، و اکنون می‌کوشند با برپائی «مراسم آئینی» کودتای ۱۳ آبان، جنگ زرگری با طاعون سبز و ایجاد درگیری‌های خیابانی به جهانیان بگویند در بر همان پاشنه می‌چرخد. البته سخت در اشتباه‌اند. پس از عقب نشینی هیلاری کلینتون از موضع آمریکا در مورد شهرک‌سازی اسرائیل، آمریکا یک گام دیگر نیز به عقب برداشت. نانسی پلوسی از صدراعظم آلمان برای سخنرانی در سنای آمریکا دعوت

وارد جزئیات نمی‌شویم. پس بازگردیم به تحمیل انزوای سیاسی و تحریم اقتصادی با هدف جنگ افروزی. به دلیل خیانت‌های فدائیان اسلام و شرکای فکل کراواتی‌شان همچون مصدق و بازرگان، به مرور زمان سیاست استعمار در ایران قدرتمندتر شد و از مرحله «فتوی، ترور، آشوب» در سال ۱۳۵۷، به مرحله «براندازی مخملین» یا «کودتاهای مسلسل» گام نهاد. این مرحله جدید خشونت از هنگام به قدرت رسیدن جیمی کارتر در ژانویه ۱۹۷۷ شدت یافته، و همچنانکه گفتیم پس از نشست گوادالوپ در ماه ژانویه ۱۹۷۹ به سرنگونی شاه نیز منجر شد. سپس فرانسه امام «روشن ضمیر» را جهت تخریب فرهنگ و تاراج ملت ایران در مهرآباد تخلیه کرد، تا این موجود وحشی و فریبکار با شعارهای پوچ بر ضد ارباب، کشور ایران را به طویلۀ ارتش ناتو و جولانگاه اراذل و اوباش تبدیل کند. و باید اذعان کنیم که در این امر مقدس کاملاً «موفق» شد.

امروز ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۸۸، جشن‌های ویژه یک‌سالگی ریاست جمهوری باراک اوباما همزمان در آمریکا و جمکران برگزار شد. اینهم یکی از پیامدهای فرخنده سفر دیوید میلیبند به مسکو بود. ملاقات و دیدار سه روزه وزیر امور خارجه انگلستان با همتای روس خود پیامدهای دیگری هم داشت. از آنجمله است، ارسال دکتر علی کوچیکه، غلام‌بیچه سفارت کذا به بغداد! شلیک خمپاره به پادگان ارتش آمریکا در عراق، و شلیک یک پلیس افغان به نظامیان انگلستان که به مرگ ۵ تن از آنان انجامید. البته پنج‌تن کذا را در انگلستان «شهید» راه دمکراسی خواهند خواند، ولی واقعیت جز این است. افغانستان توسط انگلستان به



به عمل آورد و آنجلا مرکل در سخنرانی خود صریحاً با تجهیز ایران به سلاح هسته‌ای مخالفت کرد.

یادآور شویم، پس از سخنرانی آدنائر در سال ۱۹۵۷، آنجلامرکل دومین صدراعظم آلمان است که در سنای آمریکا سخنرانی می‌کند. با موضع‌گیری صدراعظم آلمان در مورد ایران، فرانسه ناچار به کاهش سطح روابط خود با گورکن‌ها خواهد شد، چرا که فرانسه ناچار است برای ممانعت از بحران در اروپا پیروی از سیاست آلمان را در پیش گیرد. فرانسه برخلاف جمکران سیاست‌های‌اش بر واقعیات تکیه دارد و نمی‌تواند همچون گورکن‌ها ادعای «استقلال» داشته باشد. مسلماً همین روزهاست که برای ممانعت از دوری ارباب، کلوتیلد رایس به محور جنجال و بحران نوینی در جمکران تبدیل شود، چرا که آب‌منگل‌ها از قوانین و مقررات بین‌المللی پیروی نمی‌کنند، اینان همچون امام‌شان «مستقل» و وحشی و قانون‌شکن‌اند، ولی توحش اوباش‌الله پیرو «خط‌امام» و «نوکر آمریکا» به حساب «ایران» گذاشته شده.

سایت فرانسه زبان «نووستی»، مورخ ۳ نوامبر ۲۰۰۹ به نقل از «بوریس ماکارنکو»، در «مرکز تکنولوژی‌های پلیتیک» می‌نویسد:

**«در تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۷۹، ایران به جهانیان ثابت کرد برای حقوق و موازین بین‌المللی کمترین ارزشی قائل نیست. تهران نشان داد که می‌خواهد بر اساس قواعد خاص خود بازی کند. حکومت ایران یک نظام تئوکراتیک، با روند انتخابات حداقلی و با سیاست خارجی غیرقابل پیش‌بینی باقی مانده.»**

البته ماکارنکو، برای رعایت نزاکت عبارت «سیاست خارجی غیرقابل پیش‌بینی» را بجای لات‌بازی و قانون‌شکنی به کار

برده. باری، «الکساندر اومنوف»، کارشناس دیگر علوم سیاسی به نووستی می‌گوید، برگزاری ۳۰امین سالگرد اشغال سفارت آمریکا در تهران نشان از تداوم خط سیاسی حکومت ایران دارد. البته حفظ انزوای سیاسی و تداوم روابط پنهان با آمریکا، به دلیل تمایل اربابان حکومت جمکران در واشنگتن صورت گرفته. ولی مگر یانکی‌ها این «واقعیت» را می‌پذیرند؟ هرگز! اینان همچنان وانمود می‌کنند که حکومت اسلامی «مستقل» است، و در کمال استقلال و آزادی پیرامون ارتباط یا عدم ارتباط با آمریکا تصمیم می‌گیرد.

امروز در تداوم عقب‌نشینی‌های ارباب در ایالات متحد، دفتر مطبوعاتی کاخ سفید، پیام باراک اوباما به مناسبت سالگرد اشغال سفارت آمریکا را منتشر کرد. در این پیام آمده است، آینده ایران به آمادگی این کشور جهت پیروی از قوانین بین‌المللی بستگی دارد. ترجمه پیام اوباما در سایت نووستی، مورخ ۱۳ آبان‌ماه سالجاری انتشار یافته. این پیام مزورانه، نه خطاب به ملایان، که خطاب به «ایران» می‌گوید، در صورت رعایت قوانین و تعهدات بین‌المللی، می‌تواند از انزوای سیاسی خارج شود. ولی جالب اینجاست که «انزوای سیاسی»، برای تأمین منافع



آمریکا توسط ملایان دست‌نشانده‌اش بر ما ملت تحمیل شده. قانون شکنی حکومت ملایان به بهانه «استقلال» با پشتیبانی عموسام صورت گرفته و می‌گیرد:

**«ایران باید انتخاب کند. ما طی ۳۰ سال گذشته شنیدیم حکومت ایران با چه چیز مخالف است [...] حال زمان آن رسیده که دولت ایران تصمیم بگیرد که آیا می‌خواهد با معیارهای گذشته زندگی کند و یا انتخاب خود را به نفع گشایش درها به روی امکانات، شکوفائی و حق و عدالت خواهی برای ملت ایران انجام می‌دهد [...]»**

بله اکنون می‌توان دریافت چرا آخوند منتظری با اشغال سفارت مخالف بوده، ولی طی ۳۰ سال گذشته فراموش کرده بود به ما بگوید! با این وجود باید به این مستر پرزیدنت یانکی‌ها بگوئیم، دولت ایران مگر تصمیم گیرنده است که امروز تصمیم بگیرد؟ امر بفرمائید! در خدمت حاضراند. شما سی سال پیش «انتخاب» کردید که دولت ایران با چه چیز مخالف باشد، امروز هم شما انتخاب کنید که همین دولت باید با چه چیز

موافقت کند! این پیام قصد القاء این دروغ بزرگ را دارد که «دولت ایران» طی ۳۰ سال گذشته هیچ ارتباطی با حاکمیت آمریکا نداشته، و به میل و اراده خود بر «عدم ارتباط» پافشاری هم می‌کند. حال آنکه نیک می‌دانیم چنین نیست! شما هم خود را به نفهمی زده‌اید، حال آنکه احمق نیستید! پس لطف کنید ما را هم احمق نیانگارید!

توسل به «زبان فریب»، جهت ارسال این قماش پیام‌های به ظاهر «دوستانه» و در واقع «مودیانانه»، سوءنیت کاخ سفید را به اثبات می‌رساند. این پیام مزورانه تأکیدی است مجدد بر «استقلال» پوشالی حکومت اسلامی. حکومتی که سی سال است با شعار پوچ استقلال، برای تأمین منافع آمریکا به سرکوب و حشیانه ملت ایران مشغول است. و پیام اخیر نیز فقط چراغ سبزی است به حکومت اسلامی برای تداوم همین شرایط.

